

شناسایی پیامدهای شکل‌گیری و گسترش تربیت سایه در نظام آموزشی: مطالعه به

روش پدیدارشناسی^۱

زهرة صادقی‌نیا^۲

محمد اصلاحی^۳

مرتضی ولایی^{۴*}

چکیده

ابهام در فلسفه تربیتی و نپرداختن به شرایط موردنیاز از یکسو، نبود زمینه و دغدغه کافی برای نهادینه کردن فلسفه تربیتی در نظام آموزشی و شیوع بیمارگونه‌ی گرایش به ایجاد مهارت تست‌زنی در دانش‌آموزان، مخاطراتی را در سطوح فردی و اجتماعی به همراه دارد. این تحقیق، با تکیه بر روش پدیدارشناسی به تحلیل ادراک و تجربه زیسته، با انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از رتبه‌های برتر در کنکور کارشناسی، کارشناسی ارشد و متخصصین پرداخته شد تا تأثیر ثبت‌نام در کلاس‌های موسوم به تست‌زنی بر عملکرد دانش‌آموزان در آزمون کنکور سراسری، مورد واکاوی قرار گیرد. یافته‌ها بیانگر ۴ مضمون کلی، افت سواد دانش‌آموختگان با ۷ زیر مضمون، نخبه‌های کم-درآمد با ۴ زیر مضمون، تضعیف تربیت رسمی با ۴ زیر مضمون و مضمون نابرابری اجتماعی با ۹ زیر مضمون است. نتایج نشان می‌دهد، هرچند استفاده از این کلاس‌ها، احتمال موفقیت در آزمون‌های چندگزینه‌ای را افزایش می‌دهد، اما به شکل‌گیری و تشدید نابرابری اجتماعی انجامیده است. به دیگر سخن، ترویج بیمارگونه استفاده از کلاس‌های کنکور زمینه را برای ناکارآمدتر شدن آموزش و پرورش رسمی آماده کرده و در نتیجه نادیده گرفته شدن استعدادهای بسیاری که به دلایلی نظیر مادی، اجتماعی و فرهنگی، توانایی استفاده از این نوع آموزش‌ها ندارند را به دنبال داشته و توان قبولی در رشته‌های پردرآمد و پرطرفدار را از آن‌ها سلب خواهد کرد. به نظر می‌رسد این موارد منجر به

۱. مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی آزاد است که در سال ۱۳۹۶ در دانشگاه تهران انجام شده است.

۲. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، پست الکترونیک:

zhr.sadeghinia@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، پست الکترونیک:

eslahi.mohammad@ut.ac.ir

۴. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، مسئول مکاتبه، پست الکترونیک:

valaei.morteza@ut.ac.ir

نادیده گرفته شدن بخش از توان بالقوه‌ی جامعه و تشدید نابرابری اجتماعی شده است؛ این امر اهمیت بازاندیشی برای جلوگیری از دامنه‌دار شدن مخاطرات ذکر شده را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد.

کلید واژگان: تربیت سایه، موفقیت در کنکور، عدالت اجتماعی، تست‌زنی، تدریس برای آزمون

مقدمه و بیان مسئله

امروزه با پیشرفت روزافزون علم و پدیده‌ی جهانی‌شدن، رقابت برای گرفتن شغل‌ها و یا کرسی‌های بالای تحصیلی در برخی از کشورها بیش از آنچه در دیگر نقاط جهان باید در جریان باشد، وجود دارد؛ که این خود موجب به وجود آمدن نهادهای خصوصی یا بعضاً دولتی (وابسته به مجریان دولتی) شده است. این نهادها غالباً با تبلیغات گسترده سعی در جذب افراد بیشتر برای افزایش درآمد خوددارند. نهادهای نام‌برده، مهارت‌هایی از جمله تست‌زنی (تیزی آزمون یا خبرگی آزمون)، سرعت عمل، آشنایی با آزمون و شناخت نقاط کلیدی را افزایش می‌دهد و در زمینه‌ی افزایش و خلق دانش، خلاقیت، نوآوری و غیره نقشی را ایفا نمی‌کند. آموزش تکمیلی خصوصی به‌طور گسترده‌ای به نام تربیت سایه^۱ شناخته می‌شود و به تقلید از جریان اصلی (آموزش و پرورش رسمی) می‌پردازد. با تغییر محتوای مسیر اصلی، محتوای تربیت سایه هم‌تغییر می‌کند (بری و لیکینز^۲، ۲۰۱۲) و ممکن است روی بهره‌وری نظام رسمی آموزش تأثیر داشته باشد و پیامدهای قابل توجهی برای نابرابری و شاید هم برای انسجام جامعه داشته باشد (بری و لیکینز، ۲۰۱۲، ص. ۳۲).

تدریس خصوصی که همان تربیت سایه نامیده می‌شود ممکن است از طریق کانال‌های رسمی و یا شرکت‌های خصوصی به‌صورت فردبه‌فرد یا گروه‌های کوچک و بزرگ ارائه گردد (چن^۳ و بری، ۲۰۱۴) و به‌عنوان یک شغل آموزشی، خارج از قلمرو سیستم رسمی با ارائه خدمات به نیازهای آموزشی دانش‌آموزان پاسخ دهد. کار اصلی هر دو سیستم رسمی و غیررسمی آماده ساختن دانش‌آموزان برای ورود به مقطع بالاتر تحصیلی است (ماوور^۴، ۲۰۱۵). با این تفاوت که در اولی نیاز به هزینه‌های سرسام‌آور و تحمیل این هزینه‌ها به خانواده‌ها نیست ولی در دومی (تربیت سایه) این اتفاق قطعاً خواهد افتاد. بعضی از این نهادهای موجود تقریباً موازی آموزش و پرورش عمل می‌کنند. حتی در بعضی نقاط به‌طور غیر محسوس جای آموزش و پرورش رسمی را گرفته‌اند. منظور از آموزش و پرورش رسمی، فرایند آموزش و رشد دانش‌آموزان توسط برنامه‌ای منظم و تأیید شده برای کسب دانش، مهارت‌ها و رشد شخصیت

- 1.Shadow education
- 2.bray & lykins
- 3.Chan
- 4.Mawer

است (آرین، ۱۳۸۸). افراد سعی دارند از این بازار برای خود، سود مالی کسب کنند، بنابراین مشاهده می‌شود که این افراد از طریق تلویزیون، مجله، کلاس‌های حضوری و... به داوطلبان مشاوره می‌دهند و هرچند اکثر این نظرات صحیح هستند اما کثرت آن باعث سردرگمی داوطلبان شده و از طرفی هزینه‌هایی را به داوطلبان تحمیل می‌کنند (سجادی، کرم دوست، ڈرانی، صالحی و مقدم‌زاده، ۱۳۹۶) که این هزینه‌ها موجب تشدید تضاد طبقاتی خواهد شد. معلمان مدارس رسمی دانش‌آموزان خود را به شرکت در نهاد آموزش سایه تشویق می‌کنند با این تفکر که شرکت در این نهادهای غیررسمی موجب ارتقای دانش‌آموختگان می‌شود. این نهادها با تبلیغاتی متفاوت از جمله تغذیه سعی در جذب بیشتر دانش‌آموزان دارند (ماوور، ۲۰۱۵)، در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا عملکرد نادرست آموزش و پرورش باعث پیدایش این نهادهای موازی است؟ در جواب این سؤال می‌توان گفت در برخی موارد عملکرد نادرست موجب پدید آمدن این نهادهاست؛ ولی لزوماً این‌طور نیست. در کتاب تربیت سایه به این نکته اشاره است که در برخی کشورهای دارای آموزش و پرورش با عملکرد بالا هم‌نهادهای این چنین در حال فعالیت است (بری و لیکینز، ۲۰۱۲). بررسی‌های انجام‌گرفته نشان داد مطالعه‌ای عمیق در خصوص شناسایی پیامدهای شکل‌گیری و گسترش تربیت سایه در نظام آموزشی انجام‌نشده است. بنابراین سؤال اصلی در پژوهش حاضر این است که چالش‌های شکل‌گیری و گسترش تربیت سایه در نظام آموزشی چیست و این پژوهش تلاش دارد بدان پاسخ دهد.

پیشینه‌ی پژوهش

طبق اعلامیه سازمان ملل متحد به‌ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر مبنی بر اجباری و رایگان بودن آموزش و پرورش ابتدایی، نگرانی‌های بسیاری در مورد خصوصی‌سازی نظام‌های آموزشی و پرورشی و تأثیر ایدئولوژی نئولیبرال^۱ وجود دارد. نظام‌های آموزش سایه با گرفتن هزینه از دانش‌آموزان به‌جای آموزش رسمی رایگان، خانواده‌ها مخصوصاً خانواده‌های کم‌درآمد را دچار یک مشکل اساسی می‌کنند. همچنین موجب کاهش افراد برای تحصیل آکادمیک و در نتیجه سرکوب بسیاری از استعدادها موجود در افرادی که نمی‌توانند هزینه‌های آموزش را پردازند، می‌شود که به‌طور مؤثر نافی حق بنیادین همه کودکان به آموزش ابتدایی می‌گردند (بری و کو، ۲۰۱۳).

شرکت در آموزش‌های غیررسمی و خود این موسسه‌ها هزینه‌های گزافی به دنبال خواهند داشت. اگر این هزینه‌ها نتوانند به نفع همه‌ی طبقات موجود در جامعه برای مثال دانش‌آموزانی که دست‌یابی کمی به دلایل مختلفی از جمله اقتصادی دارند، شود؛ نه تنها ممکن است موجب ناکارآمدی این موسسه‌ها بلکه کمکی به نابرابری اجتماعی باشد

1. Neoliberal

2. Kwo

(سیلویا^۱ و همکاران به نقل از لویلکا و زاکارف،^۲ ۲۰۱۶). تربیت سایه ممکن است به نیازهای برخی از دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه پاسخ ندهد و با توجه به صرف هزینه‌ها و وقت، باعث صدمات جبران‌ناپذیری به دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها گردند و همچنین تخمین زده می‌شود که تا سال ۲۰۱۸، دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها در سراسر جهان در تمام مقاطع تحصیلی، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال در تربیت سایه هزینه کنند (فوربس،^۳ ۲۰۱۲)، این نوع تربیت دارای سابقه طولانی و مقیاس قابل‌توجهی در مناطق مختلف جهان است (کاسوتاکیس و وردیس،^۴ ۲۰۱۳). گسترش این پدیده در یونان نشان می‌دهد که در طول قرن بیستم و در سال‌های ۲۰۱۰/۱۱، نزدیک به ۶۰ درصد از دانش‌آموزان متوسطه در مؤسساتی که به‌عنوان تدریس خصوصی شناخته می‌شده‌اند، حضور داشتند. در مصر، ۱۹۹۰-۱۹۹۱ بررسی دانش‌آموزان کلاس‌های ۵ و ۸ نشان داد که ۶۵ درصد دانش‌آموزان شهری و ۵۳ درصد از دانش‌آموزان روستایی تدریس خصوصی دریافت می‌کردند. یک دهه ونیم بعد، در گزارش ۲۰۰۵ (هارتمن،^۵ ۲۰۱۳) نشان داد که ۶۴ درصد از خانواده‌های شهری و ۵۴ درصد از خانواده‌های روستایی برای تدریس خصوصی هزینه‌هایی پرداخت نمودند. طبق بررسی انجام‌شده در سال ۲۰۱۵ در کشور انگلستان، ۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان به پرسش آیا تا به حال تدریس خصوصی در مدرسه و یا تدریس خصوصی در خانه دریافت کرده بودند پاسخ مثبت دادند؛ ۴۴ درصد از پاسخ‌های مثبت در لندن بود (تروست،^۶ ۲۰۱۵).

محققان و سیاست‌گذاران به‌طور فزاینده به اهمیت تربیت سایه پی برده و هنگام ارزیابی داده‌های بین‌المللی پیشرفت تحصیلی، آن را در نظر می‌گیرند (اسکیو، هودگن، حسین و برتسچر^۷ و همکاران ۲۰۱۰، سونگ، پارک و سونگ،^۸ ۲۰۱۳) دسترسی عادلانه به آموزش باکیفیت (یونسکو،^۹ ۲۰۱۲)، زندگی دانش‌آموزان، معلمان و خانواده آن‌ها در نظر می‌گیرد (صبحی،^{۱۰} ۲۰۱۲؛ بوهاگیار و چتکوتی،^{۱۱} ۲۰۱۳)؛ تحصیلات والدین و سطح درآمد آن‌ها احتمال شرکت کردن در کلاس‌های خصوصی را افزایش می‌دهد (تانسل و بیرکان،^{۱۲} ۲۰۰۵). لویلکا و زاکارف (۲۰۱۶)، در پژوهشی

- 1.Silova
- 2.Loyalka & Zakharov
- 3.Forbes
- 4.Kassotakis & Verdis
- 5.Hartmann
- 6.Trust
- 7.Askew, Hodgen, Hossain, & Bretscher
- 8.Song, Park & Sang
- 9.UNESCO (United Nations Educational And Cultural Organization)
- 10.Sobhy
- 11.Buhagiar & Chetcuti
- 12.Tansel & Bircan

با عنوان «با توجه به فقدان شواهد علی از کشورهای درحال توسعه، تحقیقی با عنوان آیا آموزش سایه دانش‌آموزان را برای ورود به دانشگاه کمک می‌کند؟ شواهدی از روسیه»، تأثیر شرکت در آموزش سایه (تدریس خصوصی و یا دیگر فعالیت‌های علمی مبتنی بر هزینه‌های خارج از تحصیلات رسمی) در دانش‌آموزان دبیرستان را بررسی کردند که یافته‌های آن‌ها نشان داد تربیت سایه اثرات مثبتی در ورود افراد به دانشگاه داشته ولی دانش‌آموزانی که توان دستیابی به این نوع آموزش‌ها را نداشتند باکیفیت پایین در آزمون‌ها شرکت می‌کنند که به نوبه خود، منجر به نابرابری در دسترسی به کالج و نابرابری اجتماعی می‌گردد؛ بنابراین، آموزش و پرورش خصوصی موجب تشدید نابرابری‌های آموزشی موجود است (کیربی^۱، ۲۰۱۶). تربیت سایه مدت طولانی است که پدیده قابل توجهی در شرق آسیا است (زانگ^۲ و بری، ۲۰۱۶؛ سیث^۳، ۲۰۰۲). هنگ‌کنگ نرخ بالای ثبت‌نام را در آموزش سایه دارد. اگرچه برنامه درسی رسمی به خلاقیت و تفکر انتقادی اهمیت می‌دهد ولی خیلی از دانش‌آموزان برای پشت سر گذاشتن آزمون‌ها، ترجیح می‌دهند در کلاس‌های خصوصی بزرگ باقاعده شرکت کنند (چن^۴ و بری، ۲۰۱۴). دکاسترو و دِگازمن^۵ (۲۰۱۴) در تحقیقی که با عنوان، «یک مدل معادلات ساختاری از عوامل مؤثر در رضایت از آموزش سایه و اهداف رفتاری روی دانشجویان فیلیپینی» انجام دادند؛ عواملی از جمله نیاز به موفقیت، جبران و نگرش خودکارآمدی، کیفیت پایین آموزش رسمی و نگرش خانواده‌ها در مورد فرزندان را شناسایی کرده‌اند. آموزش سایه بخش مهم و تکمیلی از آموزش و پرورش در هنگ‌کنگ است که با جدا شدن این کشور از چین بیش‌ازپیش گسترش یافته است. بیشترین انگیزه گسترش این نوع آموزش شاید به انتقال سیاسی مرتبط باشد. این پدیده تا به حال تأثیرات معنی‌دار و پیامدهای زیادی بر زندگی جوانان و خانواده‌های آن‌ها داشته است. آموزش سایه اگرچه توانسته تا حدی کاستی‌های تحصیل رسمی را جبران کند اما در اصل موجب تضعیف آموزش و پرورش رسمی و تشدید نابرابری اجتماعی شده است؛ با توجه به ارزیابی‌های استاندارد موجود، دانش‌آموزان به دلیل رقابت علمی به‌طور فزاینده‌ای در این نوع کلاس‌ها شرکت می‌کنند (یانگ^۶ و بری، ۲۰۱۷).

بررسی پژوهشگران نشان داد که باوجود مخاطره متنوع در خصوص تشویق دانش‌آموزان و اولیا به استفاده از دوره‌های تست‌زنی در مدارس، اما مطالعه کافی در خصوص مزایا و مضرات استفاده از این دوره‌ها صورت پذیرفته

1. Kirby
2. Zhang
3. Seth
4. Chan
5. De Castro & De Guzman
6. Yung

است؛ بنابراین در این تحقیق، تلاش شده است تا با تحلیل ادراک و تجربه زیسته داوطلبان برتر، تأثیر مثبت نام در کلاس‌های موسوم به تست‌زنی بر عملکرد دانش‌آموزان در آزمون کنکور سراسری، مورد واکاوی قرار گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

در مطالعه حاضر از روش پدیدارشناسی و از فن مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شده تا با شناختی عمیق از پدیده، بسیاری از زوایای نهفته آن آشکار گردد. در میدان پژوهش از نظر متخصصین حوزه تعلیم و تربیت و افرادی که در کنکور سراسری کارشناسی و کارشناسی ارشد، رتبه‌ی بالا کسب نموده بودند و تمایل به همکاری داشتند استفاده شده است. در این مطالعه از نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی که ملاک آن قبولی در کنکور کارشناسی و یا کارشناسی ارشد با رتبه‌های تک‌رقمی، علاقه‌مند به شرکت در پژوهش و جنسیت همه آن‌ها پسر (به علت دسترسی راحت‌تر در خوابگاه و امکان داشتن شماره تلفن برای مصاحبه مجدد از جنس پسر استفاده شد) بودند بهره برده‌ایم. به خاطر رعایت اصول اخلاقی از ذکر نام رشته و رتبه آن‌ها خودداری شده است. در جدول ۱ ویژگی‌های فردی دانشجویان مشارکت‌کننده در پژوهش آورده شده است.

جدول ۱ ویژگی‌های فردی مشارکت‌کننده در پژوهش

مشارکت‌کننده	رتبه	رتبه	تحصیلات		مشارکت‌کننده	رتبه	رتبه	تحصیلات	
			پدر	مادر				پدر	مادر
۱	۲۳	ارشد	دیپلم	نهم	۱۰	۲۴	کارشناسی	ارشد	یازدهم
۲	۲۵	ارشد	پنجم	یازدهم	۱۱	۲۲	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی
۳	۳۰	ارشد	-	-	۱۲	۲۰	کارشناسی	دکتری	دکتری
۴	۲۰	کارشناسی	ارشد	ارشد	۱۳	۲۲	کارشناسی	دیپلم	دیپلم
۵	۲۲	ارشد	دکتری	ارشد	۱۴	۲۵	ارشد	ارشد	دکتری
۶	۴۲	متخصص	-	-	۱۵	۴۵	متخصص	-	-
۷	۳۷	متخصص	-	-	۱۶	۲۱	کارشناسی	دیپلم	کارشناسی
۸	۲۱	کارشناسی	دیپلم	ارشد	۱۷	۲۰	کارشناسی	ارشد	کارشناسی
۹	۲۳	ارشد	هشتم	دیپلم					

* منظور از (-) مشارکت‌کننده پاسخ نداده است.

بر طبق جدول ۱، حداقل زمان مصاحبه ۲۲، حداکثر ۴۵ و میانگین زمان برای کار مصاحبه‌ها ۲۹ دقیقه ۶۵ ثانیه بوده که در پانزدهمین مصاحبه به اشباع رسیدیم. برای اعتبار یابی تا هفدهمین نفر این روند ادامه پیدا کرد. با اجازه از

مشارکت‌کنندگان صحبت‌های آن‌ها ضبط و بلافاصله به صورت نوشته در کاغذ و سپس با نرم‌افزار واژه‌پرداز ورد^۱ تایپ و ذخیره شد. بعد از پیاده‌سازی مورد تحلیل قرار گرفته و آنگاه مصاحبه بعدی انجام شد این چرخه آن قدر ادامه پیدا کرد تا به اشباع تمامی منابع اطلاعاتی، اطلاعات مشابهی را در اختیار بگذارند (گرادی^۲، ۱۹۹۸؛ فونتانا، لوجسی، سیدل، رایس، توراتو و ملو^۳، ۲۰۱۱؛ به نقل از رنجبر، حقدوست، صلصالی، خوشدل، سلیمانی و بهرامی، ۱۳۹۱) رسیدیم.

در تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از روش هفت مرحله‌ای کلایزی (۱۹۹۷؛ به نقل از محمدزاده و صالحی، ۱۳۹۴) که روشی توصیفی است، استفاده شده است.

مراحل این روش، در تحقیق به شرح زیر انجام گرفته است:

۱) تمام توصیف‌های ارائه شده توسط شرکت‌کننده در مصاحبه که پروتکل نام دارد، خوانده شده تا پژوهشگر با آن خو گیرد؛

۲) به هر پروتکل مراجعه شد و جملات و عباراتی که مستقیماً به پدیده مورد مطالعه مرتبط است استخراج شده، این مرحله با عنوان «استخراج جملات مهم» نام‌گذاری شده است؛

۳) تلاش شده است تا به معنای هر یک از جملات مهم پی برده شود که به این مرحله «فرموله کردن معانی» گفته می‌شود؛

۴) مراحل فوق برای هر پروتکل تکرار شده و معانی فرموله شده و مرتبط به هم در خوشه‌هایی از موضوعات اصلی قرار گرفته است؛

۵) نتایج در قالب یک توصیف جامع از موضوع مورد پژوهش تلفیق شده است؛

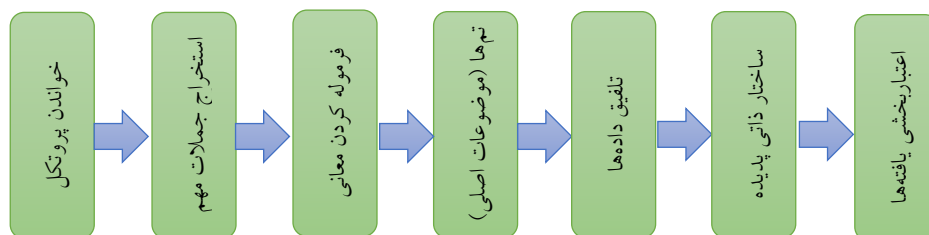
۶) توصیف جامع پدیده تحت مطالعه به صورت یک بیانیه صریح و روشن از ساختار اساسی پدیده مورد مطالعه فرموله شده که اغلب تحت عنوان «ساختار ذاتی پدیده» نام‌گذاری شده است؛

1. Word

2. Grady

3. Fontanella, Luchesi, Saidel, Ricas, Turato & Melo

۷) اعتباریابی نهایی یافته‌ها با ارجاع مجدد به شرکت‌کنندگان انجام شده است (کلایزی، ۱۹۹۷؛ به نقل از محمدزاده و صالحی، ۱۳۹۴).



نگاره ۱: مراحل تحلیل داده‌ها

برگرفته از محمدزاده و صالحی (۱۳۹۴)

نگاره (۱) مراحل حاضر در این پژوهش را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر به علت نو بودن موضوع و بهره‌گیری از رویکردی ژرفانگر، از پژوهش‌های پیشگام در این حوزه در ایران به شمار می‌رود. از این رو سعی شده تا با تکیه بر نکات استخراج شده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و یافته‌های بین‌المللی، پیامدهای تربیت سایه مورد واکاوی قرار گیرد. در مجموع ۲۴ زیرمضمون و ۴ مضمون کلی به دست آمد که مضمون، افت سواد دانش‌آموختگان با ۷ زیرمضمون، نخبه‌های کم‌درآمد با ۴ زیرمضمون، تضعیف تربیت رسمی با ۴ زیرمضمون و در نهایت مضمون نابرابری اجتماعی با ۹ زیرمضمون استخراج گردید.

مضمون ۱: افت سواد دانش‌آموختگان

منظور از "افت سواد دانش‌آموختگان" در این پژوهش کاهش خلاقیت و ابتکار را شامل می‌شود، گرچه به نظر می‌رسد محفوظات افزایش یافته ولی شواهد نشانگر کاهش چشمگیر سواد دانش‌آموختگان است که می‌توان اندازه‌گیری در سطوح پایین یادگیری، حفظ کردن مطالب، یادگیری سطحی مطالب، آماده شدن فقط برای پاسخگویی به آزمون‌های چندگزینه‌ای، بازشناسی مطالب، آموزش سطحی، عدم توانایی به کار بستن مطالب آموخته شده در زندگی واقعی و کم شدن قدرت تحلیل دانست.

شناسایی پیامدهای شکل‌گیری و گسترش تربیت سایه در نظام آموزشی: مطالعه به روش پدیدارشناسی/ ۵۹

۱-۱ **ارزیابی در سطوح پایین یادگیری:** از نظر بلوم یادگیری حوزه شناختی دارای سطوح مختلف دانش، فهمیدن، کار بستن، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی است، در آزمون‌های چهارگزینه‌ای بیشتر تا سطح کار بستن اندازه‌گیری می‌شود و توانایی اندازه‌گیری سطوح بالاتر را ندارد (سیف، ۱۳۹۴).

دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" ارزشیابی که همیشه واقعاً اون توانایی‌هایی رو که باس از ما اندازه بگیره رو نمیگیره. بعضی استادمون تو درس دادنشون حال ندارن تو سؤال طرح کردنم حال ندارن. سوالاتی پارسالو میدن، تستی میدن، تازه بعضیاشون اصن تصحیح نمیکنن."

۲-۱ **حفظ کردن مطالب:** برخی از دانش آموزان، در مدرسه بهترین نمره‌ها را می‌گیرند چون فهمیده‌اند که قبل از امتحان چطور درس بخوانند که سر جلسه، مطالب در ذهنشان باشد اما معمولاً بعد از امتحان همه یا بخش بیشتر مطالب را فراموش می‌کنند؛ این روش درس خواندن، حفظ کردن است. در پاسخگویی به آزمون‌های چندگزینه‌ای هم شاهد حفظ کردن مطالب برای پاسخگویی به موقعیت پیش روی هستیم.

دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" به نظرم یادگیری با حفظ کردن فرق داره، چیزایی که حفظ بشن خیلی سریع از یاد آدم میره و برا بعضی آزمونا این جور خوندن جواب میده، من خودم هر وقت درسی مثل روانشناسی داشتم بیشتر برا همون جلسه امتحان (تستی) حفظ کردم و هر وقتم معلم یا استاد تشریحی میگرفت بیچاره بودم و نمره کم میگرفتم."

۳-۱ **یادگیری سطحی مطالب:** گردآوری معلومات بی‌ربط به هم مانند اسم آدم‌ها، مکان‌ها و تاریخ وقایع است؛ این رویکرد یادگیری را چیزی می‌بیند که می‌توان آن را با عقربه سوخت، اندازه‌گیری کرد که از خالی شروع می‌شود و باید تا پُر شدن پیش برود. این رویکرد به یادگیری اتمیستی شهرت دارد چون وقتی ما به‌طور سطحی یاد می‌گیریم میزان دانسته‌هایمان را به شکل یک توده می‌بینیم نه به‌صورت کیف پولی که می‌توان آن را روی هم گذاشت و پس‌انداز کرد. وقتی زمان ارزشیابی این یادگیری برسد به فنون مرور و رویه‌های معمولی مثل حفظ کردن نیاز پیدا می‌کنیم مشکل اصلی یادگیری سطحی هم وقتی بروز می‌کند که مجموعه اطلاعاتی که با آن‌ها سروکار داریم بسیار گسترده شود (محمودی، ۱۳۸۹).

دانشجوی ۲۰ ساله کارشناسی می‌گوید:

"چیزی که حفظ شه با دونسته‌های قبلیت ارتباطی نداشته باشه یا ربطی بهشون ندی مطلبو عمقی یاد نمیگیری، تو سوالای تستیم اینجوریه که ی جور میخونی که موقع امتحان بتونی جواب درستو بین اونا تشخیص بدی."

۴-۱ آمادگی برای پاسخگویی به آزمون‌های چندگزینه‌ای: به نظر می‌رسد داوطلبینی که در آزمون‌های متعدد و یا به سؤال‌های چندگزینه‌ای بیشتری قبل از آزمون اصلی، پاسخ می‌دهند در آزمون چندگزینه‌ای نتیجه بهتری کسب می‌کنند. به عبارت دیگر دانش‌آموزان و یا دانشجویان زمانی که با آزمون‌های چندگزینه‌ای آزمون می‌شوند خود را هر چه بیشتر برای پاسخگویی به آزمون چندگزینه‌ای آماده و با آن‌ها آشنایی بیشتری پیدا می‌کنند.

دانشجوی ۳۰ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

"خیلیا جوری میخونن که فقط میتونن تست جواب بدن اگه همون سوالو تشریحی بهشون بدی نمیتونن جواب بدن و کلا قاطی میکنن."

۵-۱ آموزش سطحی: کلاس‌های غیررسمی بیشتر سعی در یاددهی مطالبی دارند که افراد شرکت‌کننده در کلاس‌های آن‌ها بهترین عملکرد را داشته باشند تا با ترغیب بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان، منابع مالی خود را کسب کنند از این‌رو به عمق دانش توجهی نمی‌شود و آموزش‌های سطحی برای پاسخگویی به سؤالات ارائه می‌شود.

دانشجوی ۲۴ ساله کارشناسی می‌گوید:

"اساس کلاسای تست‌زنی اینه که به شما یاد بدن چیجوری تستو تجزیه و تحلیل کنی و جوابه درستو تشخیص بدی. حتی بعضی‌هاشون ادعا میکنن که هیچی هم نخونده باشی با این کلاس میتونی خیلی سوالا رو جواب بدی."

۶-۱ ناکارآمدی در به کار بستن مطالب آموخته‌شده در زندگی واقعی: بعضی از دروس مختلف ارائه‌شده در مدارس در زندگی واقعی کاربرد دارد. باید با مطرح نمودن کاربردهای درست و صحیح مطالب در زندگی و با مطرح کردن آنچه قابل لمس است، دانش‌آموز را مشتاق دروس خاصی کرد و پس از ایجاد اشتیاق موضوعات مشکل و حتی غیرکاربردی هم برای دانش‌آموز شیرین خواهد شد، از جمله می‌توان به کاربرد دانش مثلثات در زندگی واقعی اشاره کرد؛ به نظر می‌رسد با رشد بیشتر آموزش سایه و ادعای آن‌ها در مورد جواب دادن صحیح به تست‌ها بدون توانایی آموخته شدن کامل مطالب، توان کاربرست مطالب در زندگی واقعی کاهش یابد.

دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" توکار زمانی پیش اومد که ساختمانی ساخته شده بود و خواستیم آسانسور معلولین را حذف کنیم و ی سطح شیبدار برا عبور ویلچر بذاریم. با توجه به طول حیاط و ارتفاع پله‌ها و مقدار مجاز شیب، فهمیدم که از دانش مثلثات و ریاضی میشه به خوبی استفاده کرد."

۷-۱ کم شدن قدرت تحلیل: تحلیل در سطح چهارم حیطه شناختی یادگیری بلوم قرار می‌گیرد. منظور از آن شکستن مواد یا مطالب به عناصر تشکیل‌دهنده و توصیف روابط میان آن‌هاست (سیف، ۱۳۹۴)، در خیلی از موارد شاهد آن هستیم که دانشجویان قادر به تحلیل کردن مواد و مطالب درسی یا مطالب پیرامون خود نیستند.

دانشجوی ۲۳ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" متنی استاد به ما داده بود و از ما خواسته بود تا به‌طور کامل تحلیلش کنیم خیلی‌ها نتونستن تحلیلش کنن و بیشتر داشتن بازگویی میکردن."

مضمون ۲: نخبه‌های کم‌درآمد

" نخبه‌های کم‌درآمد" به دانشجویانی اطلاق می‌شود که به لحاظ هوشی و تحصیلی در سطوح بالایی قرار دارند، ولی از نظر مالی توانایی کم یا بسیار کمی را دارا هستند، که در بعضی مواقع امکان ادامه تحصیل را ندارند. این افراد در رقابت با دانشجویان متمکن دچار سرخوردگی، ارباب، مواجهه با فرصت‌های نابرابر و روابط تعاملی بین هویت طبقاتی و تجربه دانشگاه، می‌شوند (اریز و سیدر^۱، ۲۰۰۵). این مضمون را می‌توان مشکلات مالی والدین افراد بااستعداد، کار کردن ضمن تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان باهوش کم‌درآمد، عدم ثبت‌نام افراد نخبه در کلاس‌های فوق‌برنامه به دلایل مادی، شرکت نکردن افراد قوی در کلاس‌های مربوط به آزمون‌های چندگزینه‌ای به علت نداشتن پول کافی و ترک تحصیل افراد بااستعداد توصیف کرد.

۲-۱ کارکردن ضمن تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان باهوش کم‌درآمد: یکی از عواملی که موجب افت تحصیلی افراد باهوش می‌شود کار کردن آن‌هاست؛ به دلایل مختلفی از قبیل نداشتن پدر و یا پدرومادر، متأهل بودن و مستقل زندگی کردن. خیلی از این دانش‌آموزان و دانشجویان مجبور به کار کردن و کسب درآمد هستند و نمی‌توانند در کلاس‌های غیررسمی شرکت کنند و با دیگران رقابت کنند پس به‌ناچار تصمیم به ترک تحصیل گرفتند.

^۱ Aries & Seider

دانشجوی ۲۳ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

"رفیقی داشتم که هم کار می‌کرد و هم درس می‌خوند وقتی کار نداشت نمراتش عالی بود و روزایی که کار می‌کرد نمراتش از متوسط کلاس‌مون بالاتر بود حیف شد بخاطر نداشتن پدر خرج خانواده به دوش اون بود و نتونست درسشو ادامه بده البته بیشترش برا کلاسای تقویتی و کنکور و اینجور چیزها بود که درسشو ول کرد."

۲-۲ عدم ثبت نام افراد نخبه در کلاس‌های فوق برنامه به دلایل مادی: افراد نخبه به دلیل آگاهی از توانایی‌های خود و فقدان پول کافی در کلاس‌های غیررسمی شرکت نمی‌کنند و در مواقعی از همین نقطه ضربه می‌خورند.

دانشجوی ۲۰ ساله کارشناسی می‌گوید:

"شاگرداول شهرمون که ظاهراً وضع خونوادگیشون چندان مناسب نبود تو هیچ کلاسی غیر از کلاسای مدرسه شرکت نمی‌کرد و همه ما توقع رتبه یکی رو ازش داشتیم ولی موقع اعلام نتیجه رتبه اش زیر صد هم نشد."

۳-۲ شرکت نکردن افراد قوی در کلاس‌های مربوط به آزمون‌های چندگزینه‌ای به علت نداشتن پول کافی: هزینه‌های کلاس‌های مربوط به آزمون‌های چندگزینه‌ای گاهی آنقدر زیاد است که خیلی‌ها توان شرکت کردن در این کلاس‌ها را ندارند این قاعده برای دانش‌آموزان و دانشجویان قوی که تمکن کافی ندارند بیشتر صدق می‌کند؛ آن‌ها برای اینکه هزینه اضافه بر دوش خانواده نگذارند در این کلاس‌ها شرکت نمی‌کنند و صرفاً به توانایی خود، درس‌ها و کتاب‌های معمول خود اکتفا می‌کنند.

دانشجوی ۲۳ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

"منو دوستم که هر دو مون از شاگردای قوی کلاس بودیم برا عقب نمودن از بقیه، ی کلاس تست زنی رفته بودیم؛ برای ی درس ۳۵۰ هزار تومن میخواست بیخیال شدیم حالا برا من که وضع مالیم بد نبود این مبلغ زیاده چه برسه به دوستم که کله‌اش سوت کشید."

۴-۲ ترک تحصیل افراد با استعداد: آغاز سال تحصیلی معمولاً برای هر خانواده‌ای با دغدغه تأمین هزینه‌های تحصیل همراه است و این دغدغه برای خانواده‌های کم‌درآمد خیلی جدی‌تر است. به نظر می‌رسد در بین این خانواده‌ها، افرادی با استعداد خدادادی وجود دارند که در مقاطع مختلف تحصیلی جزء گروه قوی کلاس خود هستند ولی بعضی از آن‌ها به دلیل مشکلات مادی قادر به ادامه تحصیل نیستند.

دانشجوی ۲۳ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

"چندتا از دوستای صمیمی دوره‌های مختلف تحصیلیم که با هم دیگه جزء ۵ تای اول بودیمو بعضی وقتا در حال دستفروشی و... میبینم و پیش خودم خیلی ناراحت میشم، اگه اونا هم تو خونواده‌های پولدار به دنیا میومدن الان جاشون بهترین دانشگاه‌ها و بهترین شغلا بود."

مضمون ۳: تضعیف تربیت رسمی

با شیوع کلاس‌های غیررسمی، روش‌های تیزی یا خبرگی آزمون (تست‌زنی) و هر چه بیشتر همگام شدن آن با آزمون‌های مختلف موجب "تضعیف تربیت رسمی" است. به نظر می‌رسد تربیت رسمی به علت عدم آمادگی برای این نوع آزمون‌ها جایگاه و اعتبار خود را از دست داده است از این رو عدم مشارکت و روی آوردن معلمان و دانش‌آموزان به کلاس‌های متفرقه موجب تضعیف شدن هرچه بیشتر تربیت رسمی شده است. تضعیف تربیت رسمی را می‌توان بی‌علاقگی به شرکت در کلاس‌های رسمی، افزایش مشارکت‌کنندگان در کلاس‌های متفرقه، دیدگاه‌های بیهوده بودن تربیت رسمی و محوریت یافتن مدرک‌گیری از نهادهای رسمی دانست.

۳-۱ کاهش علاقه به شرکت در کلاس‌های رسمی: در برخی از موارد دانش‌آموزان و دانشجویان را می‌بینیم که در کلاس‌های رسمی یا شرکت نمی‌کند و یا حواس آن‌ها اصلاً به کلاس درس نیست و اظهار بی‌علاقگی می‌کنند.

دانشجوی ۳۰ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

"یکی از دوستانم میگفت هم‌کلاسیش تو کارشناسی و ارشد اکثر کلاسای صبحشو خواب بود. همیشه هم استادها بهش تیکه مینداختن ولی اون یا نمیخواست یا نمیتونست زود بیدار. اوایل میگفتیم شاید کار میکنه، بعدا فهمیدیم میره کلاسای تست و زبان و اینجور چیزا."

۳-۲ افزایش مشارکت‌کنندگان کلاس‌های متفرقه: قبولی در دانشگاه و در برخی موارد دانشگاه‌های معتبر کشور موجب استقبال بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان در کلاس‌های متفرقه شده است و احتمالاً روند حاضر موجب افزایش این نوع کلاس‌ها و در نتیجه افزایش مشارکت‌کنندگان آن شده است.

دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

"هرروز دم در دانشکده‌مون افراد مختلف برگه‌های تبلیغاتی جورباجوری از کلاسای کنکور رو پخش میکنن. من به یکی از این کلاسها که جلسه اولشو رایگان گذاشته بود رفتم، جای سوزن انداختن نبود. جوری شلوغ شده بود که بقیه میرفتن ی روز دیگه بیان."

۳-۳ افت جایگاه تربیت رسمی: تربیت رسمی به علت ارائه خدمات متفاوت و رایگان بودن مورد توجه همگان بوده است ولی به نظر می‌رسد با رشد کلاس‌های غیررسمی و متفرقه، تربیت رسمی از رونق خود افتاده یا حضور آن کم‌رنگ‌تر و در بعضی موارد بیهوده تلقی می‌شود.

دانشجوی ۲۴ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

"می‌پسره بود هر وقت تو دانشکده منو میدید میرم کلاس میگفت بابا نرو از وقتت درست استفاده کن برو کتابخونه بشینی بخونی بیشتر یاد میگیری برا آزمون دکتری هم چیزایی که میگن اصن بدر نمیخوره، منو ببین بیشتر وقتمو تو کتابخونه ام یا بیرون کلاس میرم"

۳-۴ محوریت یافتن مدرک گیری از نهادهای رسمی: شاید یکی از دلایلی که هنوز نهادهای رسمی پابرجا مانده‌اند به خاطر گواهی و مدرکی است که در پایان دوره‌ی تحصیل ارائه می‌کنند، شاید محور حضور بعضی از شرکت‌کنندگان در نهادهای رسمی، مدرک این نهادهاست که اگر این گواهی و مدرک در نهادهای غیررسمی ارائه می‌شد هیچ‌گاه به سراغ نهاد رسمی نمی‌آمدند.

دانشجوی ۲۰ ساله کارشناسی می‌گوید:

"دانش‌آموزانی رو دیدم که فقط مدرکو میخواستن بگیرن که بتونن تو آزمون کنکور شرکت کنن، براشون یادگیری مهم نبود و میگفتن که جای دیگه بهتر از اینجا بهشون یاد میدن که تو آزمون به دردشون بخوره."

مضمون ۴: نابرابری اجتماعی

نابرابری به‌طور کلی‌تر به آن دسته از تفاوت‌هایی میان افراد اشاره دارد که بر نحوه زندگی آن‌ها، تأثیر می‌گذارد. "نابرابری اجتماعی" وضعیتی است که در چارچوب آن، انسان‌ها دسترسی نابرابری به منابع باارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دارند. این نابرابری، هنگامی روی می‌دهد که افراد و گروه‌ها، یکدیگر را درجه‌بندی و سپس ارزیابی کنند؛ مهم‌ترین مسئله در نابرابری‌های اجتماعی، ناشی از موقعیت‌های متفاوت در ساختار اجتماعی است (طهماسبی، میرزایی و کامرانی، ۱۳۹۱). نابرابری اجتماعی را می‌توان شرکت نکردن کل دانش‌آموزان و دانشجویان در کلاس‌های متفرقه، نادیده گرفتن قشر کم‌درآمد جامعه، غالب شدن قشر سرمایه‌دار، تک‌بعدی شدن جامعه، عدم استفاده از همه ظرفیت‌ها، پخش شدن شغل‌های مهم بین افراد خاص، درآمد بالای عده‌ای خاص، افزایش احتمال کسب پست‌های بالاتر و تفاوت در میزان دسترسی دانست.

شناسایی پیامدهای شکل‌گیری و گسترش تربیت سایه در نظام آموزشی: مطالعه به روش پدیدارشناسی/۶۵

۱-۴ شرکت نکردن کل دانش‌آموزان و دانشجویان در کلاس‌های متفرقه: از آنجاکه برخی از دانش‌آموزان یا دانشجویان به دلایل مختلف از جمله هزینه، در کلاس‌های غیررسمی شرکت نمی‌کنند رقابت در آزمون به صورت برابر انجام نمی‌پذیرد.

دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" منو چنتا از دوستانم پول شرکت در کلاسای تست زنی رو نداشتیم برا همی شرکت نکردیم و آزمون برا ما خیلی سخت‌تر از دوستای بود که تو اون کلاس شرکت کرده بودن."

۲-۴ نادیده گرفتن قشر کم‌درآمد جامعه: کلاس‌های تست‌زنی چون اساساً بر مبنای پول و کسب درآمد بنا شده‌اند پس افراد کم‌درآمد توان شرکت در این نوع کلاس‌ها را ندارند و به نوعی به بوته فراموشی سپرده می‌شوند.

دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" اونایی که سطح درآمدیشون پایینه نمی‌تونن تو کلاسای تست‌زنی شرکت کنن."

۳-۴ غالب شدن قشر سرمایه‌دار: وجود کلاس‌های متفرقه و تست‌زنی موجب ارتقای قشر سرمایه‌دار می‌شود؛ آن‌ها با هزینه‌های زیاد در آزمون‌های مختلف موفق می‌شوند و بعضی از کرسی‌های رشته‌های خوب دانشگاهی، همچنین مشاغل مهم را تصاحب می‌کنند اگرچه در این میان درون کلاس‌های تست‌زنی دانش‌آموزان و دانشجویانی یافت می‌شوند که از قشر سرمایه‌دار نیستند ولی تعداد آن‌ها خیلی کم است و اغلب توانایی شرکت در تمام کلاس‌هایی که قشر سرمایه‌دار شرکت می‌کنند را ندارند.

دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" رشته پزشکی این روزا رشته پردرآمدی هست و معمولاً اونایی که باباهاشون پولدارن میرن سمت رشته‌های پول‌درآر، البته توشون استثنا هم هست ولی بیشتر کسایی رو که من دیدم اینجوری بودن."

۴-۴ تک‌بعدی شدن جامعه: با وجود رشد روزافزون کلاس‌های تست‌زنی و هزینه‌های زیاد شرکت در آن، همچنین امکان استفاده از طیف خاصی از مردم از این نوع امکانات، به نظر می‌رسد که جامعه به سمت تک‌بعدی بودن پیش می‌رود.

دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" هر کی بابش بیشتر (پول) داره بیشتر خرج میکنه، کلاً شده بیینی کسی بخواد درس بخونه باباش پولدار باشه و موفق نشه؟ من که ندیدم. تازه ی نگاه کن فلانی ریس فلان جاست، دادشش فلان جا، اون یکی داداش... خواهراش کارشون یکی از اون یکی بهتر. ی سری از شغلا خونوادگی ماله این جور آدماست. بقیه‌ی درپیت به ما میرسه."

۴-۵ عدم استفاده از همه‌ی ظرفیت‌ها: وجود کلاس‌های تیزی آزمون و امثال آن، همچنین هزینه‌های شرکت در آن موجب نادیده گرفتن بخشی از افرادی می‌شود که به دلایل مختلف در این کلاس‌ها شرکت نمی‌کنند و در عمل شاید از تمام ظرفیت‌های موجود در کشور نتوان استفاده کرد.

دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" کلاسای تست‌زنی باعث میشه که بعضیا که توانایشو دارن نتونن به جاهایی که حَقشونه برسن و بتونن برا جامعه مفید باشن."

۴-۶ افزایش احتمال کسب مشاغل مهم بین افراد خاص: با وجود کلاس‌های تست‌زنی و هزینه‌های زیاد این نوع کلاس‌ها افراد معدودی توان پرداخت هزینه‌های آن را دارند، کرسی‌های رشته‌های خوب در دانشگاه‌های معتبر را کسب می‌کنند و احتمالاً در آینده‌ای نزدیک مشاغل مرتبط مختص همین افراد خواهد شد.

دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" شما ببینید وقتی کسی پول بیشتری داره معلومه تو کلاسای بیشتری شرکت میکنه و احتمال موفقیش بیشتره و بعدش مشخصه دیگه شغلای خوب مال ایناست."

۴-۷ درآمد بالای عده‌ایی خاص: به نظر می‌رسد کلاس‌های تست‌زنی موجب می‌شود که طیف خاصی در رشته‌هایی که آینده شغلی مناسب و درآمد بالایی دارند در دانشگاه پذیرفته شوند و پس از فارغ‌التحصیلی وارد بازار کار شوند.

دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" خوب وقتی شغلای خوب مال ایناست پول خوبیم ماله ایناست البته داشتیم دانشجویی که با کار کردن و کتاب تست خریدن تونسته موفق بشه و الان درآمد خوبی داره ولی تعدادشون خیلی کمه."

۴-۸ افزایش احتمال دستیابی به پست‌های بالاتر: احتمالاً کسب کرسی‌های خوب و معتبر دانشگاهی سبب به دست آوردن شغل‌های مناسب و به تبع آن قدرت و نفوذ سیاسی آن‌ها می‌گردد، قدرت سیاسی کشور به دست عده‌ی معدودی از مردم می‌افتد و به صورت برابر تقسیم نمی‌شود.

دانشجوی ۳۰ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" شغل خوب باشه پول خوبیم هست پول خوب باشه قدرتم باهانش میاد، اینجوریه که قدرت سیاسی همیشه دست ی عده هست. من وقتی ریس ی جا باشم که خیلی از افراد کارشون گیر من بیافته ب

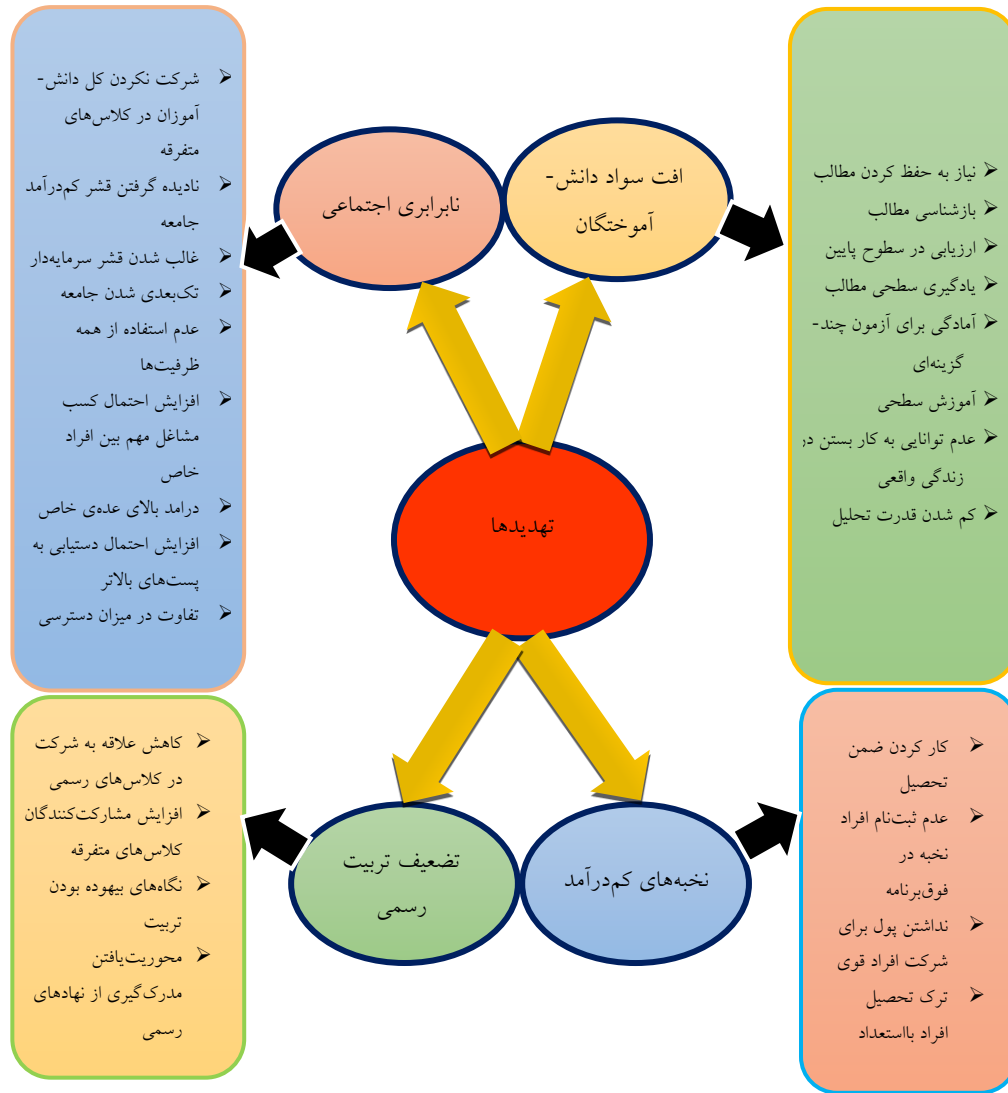
شناسایی پیامدهای شکل‌گیری و گسترش تربیت سایه در نظام آموزشی: مطالعه به روش پدیدارشناسی/۶۷

درست کردن کارشون ی جورى دین به گردنشون هست و موقعی که کارم لنگ شه میتونم از این
تونلا برا خودم استفاده کنم."

۹-۴ تفاوت در میزان دسترسی: اکثر امکانات، تجهیزات و همچنین اساتید معتبر کلاس‌های تیزی آزمون و متفرقه در شهرهای بزرگ هستند و این نوعی نابرابری خواهد بود؛ چراکه مردم شهرهای کوچک برای دسترسی به این نوع کلاس‌ها یا باید به شهرهای بزرگ‌تر مهاجرت نموده و یا فقط از کتاب‌های آن‌ها استفاده کنند.

دانشجوی ۲۱ ساله کارشناسی می‌گوید:

"منی که از شهر کوچیک و یا روستام نمیتونم تو خیلی از کلاسای تست‌زنی شرکت کنم چون اصن
شهر ما نمایندگی نداره یا اونى که هست به کیفیت جای دیگه نیست."



نمودار ۱ پیامدهای شکل‌گیری تربیت سایه در نظام آموزشی

برگرفته از پژوهش حاضر

شناسایی پیامدهای شکل‌گیری و گسترش تربیت سایه در نظام آموزشی: مطالعه به روش پدیدارشناسی/۶۹

نمودار ۱ به‌طور کامل تهدیدهای پیش روی شرکت در کلاس‌های تست‌زنی (تیزی آزمون) که از پژوهش حاضر کسب شد را نشان می‌دهد. در جدول ۲ برای نمونه کدگذاری، زیر مضامین و مضامین، از مصاحبه‌های مختلف استفاده‌شده تا نحوه استخراج مضامین نمایان گردد.

جدول ۲ نمونه کدگذاری مصاحبه

مضمون	زیر مضمون	روایت‌های برگرفته از مصاحبه‌ها
افق دانش‌آموختگان	نیاز به حفظ کردن مطالب بازشناسی مطالب آموخته‌شده	معمولاً چیزایی رو ازمون آزمون میگیرن که بیشتر نیاز به حفظ کردن داره. با دیدن گزینه‌ها راهنمایی میشی تا گزینه درستو انتخاب کنی.
	آموزش سطحی	من تو کلاس کنکور شرکت کردم میگفتن بدون این که مطالبو خونده باشی فقط با دوستن جنتا نکته میتونی جوابو درست بزنی و دیدم که درست گفتن.
	کم شدن قدرت تحلیل	متأسفانه دانشجویانی دیدم که توانایی تحلیل جزعی ی بحثو ندارن و نمیدونم واقعا اینا چطوری تو کنکور موفق شدن.
	اندازه‌گیری در سطح پایین یادگیری یادگیری سطحی مطالب	چون آزمون تستیه به نظرم نمیتونه خوب سواد فرد رو بسنجه و خیلی وقتا با کمی خوندن میشه به سوالاتش جواب داد.
	آمادگی برای پاسخگویی به آزمون‌های چندگزینه‌ای	بعضی دوستانم خودنانشون کلا فرق داره اونا درساشونو بیشتر جوری میخونن که به تست جواب بدن.
	ناکارآمدی در به کار بستن مطالب آموخته‌شده در زندگی واقعی	وقتایی پیش میان که نیاز به پیاده کردن مطالبی که قبلاً یاد گرفتیم داریم، کمتر کسی رو تو این شرایط میبینم که میتونه از دوسته هاش استفاده کنه.
	کار کردن ضمن تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان باهوش کم‌درآمد	خیلی‌ها برای اینکه از عهده مخارج پوشاک و خوراک خودشون بر بیان میرن سرکار و همزمان درسشون رو میخونن که اونجور که باید و شاید از عهده رقابت با بقیه برنمیان.
نخبه‌های کم‌درآمد	عدم ثبت‌نام افراد نخبه در کلاس‌های فوق‌برنامه به دلایل مادی	دوستانی داشتم که باهوش بودن ولی هزینه‌های کلاس‌های فوق‌برنامه رو نداشتن و خیلی از کلاس‌هایی که دیگران میرفتن رو نمیتونستن برن.
	شرکت نکردن افراد قوی در کلاس‌های مربوط به آزمون‌های چندگزینه‌ای به علت نداشتن پول کافی	بعضی وقتا خانواده‌هایی رو میدیدم که توانایی مالی برای فرستادن بچه‌های زرنگشون به کلاس‌های تست‌زنی و مانند این رو نداشتن.
	ترک تحصیل افراد بااستعداد	چن تا از دوستانم که درسشون خیلی خوب بود برا اینکه خونوادشون نمیتونستن خرج درس خوناشون بدن و کتابا یا کلاسای متفرقه برن مجبور شدن درس خوناشونو ول کنن برن دنبال کار کردن تا وقتشون تلف نشه.

مضمون	زیر مضمون	روایت های برگرفته از مصاحبه ها
تضمین در رسمی	بی‌علاقگی به شرکت در کلاس های رسمی	تو کلاس مون دانشجویانی میدیدم که سر کلاس نمیومدن یا اصلاً گوش به درس نمیدادن و در مقاطع بالاتر قبول میشدن.
	افزایش مشارکت کنندگان کلاس های متفرقه	کلاس های موازی با کلاس های خودمون روزبه روز شلوغ تر میشن و افراد بیشتری در اون به خاطر موفقیت شرکت میکنن.
	افت جایگاه تربیت رسمی	خیلی ها دیدیشون نسبت به تربیت رسمی خیلی بده و طوری هست که انگار حضورشون اجباریه.
	مدرک گرفتن صرف از نهاد رسمی	آگه برای شرکت در مدارج بالاتر نیاز به مدرک کلاس های نهاد رسمی نبود خیلی ها اصلاً در کلاس های درس شرکت نمی‌کرد.
تجزیه و تحلیل	شرکت نکردن کل دانش آموزان و دانشجویان در کلاس های متفرقه	به خاطر اینکه کلاس های غیررسمی نیاز به هزینه داره همه مردم نمیتونن در اون شرکت کنن.
	نادیده گرفتن قشر کم درآمد جامعه	هزینه های بالای کلاس های موازی کلاس رسمی باعث میشه افراد کم درآمد نتونن از اون استفاده کنن.
	غالب شدن قشر سرمایه دار تک بعدی شدن جامعه عدم استفاده از همه ظرفیت ها	وقتی همه ی مردم نمیتونن در کلاس های غیررسمی شرکت کنن اونایی که پول دارن بیشتر موفق میشن و جامعه به سوی تک بعدی بودن پیش میره. برا همین افرادی که احتمال داره در جامعه مؤثر باشن رو ازشون استفاده نمیشه.
	افزایش احتمال کسب مشاغل مهم بین افراد خاص درآمد بالای عده ی خاص افزایش احتمال دستیابی به پست های بالاتر	وقتی که همه شانسان برابر که وارد دانشگاه بشنو بخاطر وجود کلاس های کنکور ندارن خو معلومه که از کارهای حساس باز میمونن و مجبورن کاری متناسب و غیر متناسب با خودشون پیدا کنن. اونایی که کارهای خوبی گرفتن پوله خوبی هم میگیرن، قدرت سیاسی کشور رو هم بدست میارن.
	تفاوت در میزان دسترسی	چنتا شهر بزرگ به کلاس های غیررسمی دسترسی راحت تر و توانایی شرکت کردن تو اونارو دارن.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف شناسایی پیامدهای شکل‌گیری و گسترش تربیت سایه در نظام آموزشی انجام شده که نتایج آن شامل مضمون، افت سواد دانش‌آموختگان، نخبه‌های کم‌درآمد، تضعیف تربیت رسمی و درنهایت مضمون نابرابری اجتماعی می‌باشد. شواهد نشان می‌دهد که در دو دهه گذشته، موسسه‌های تربیتی (آموزشی) مجزا از سازمان‌های متولی تربیت رسمی، شکل گرفته‌اند. کم‌توجهی به این مؤسسات و راهبرد کلان آن‌ها، زمینه را برای تبدیل شدن به قدرت‌های بزرگ و تأثیرگذار بر معادلات و تصمیم‌های کلان را فراهم آورده است که غالباً در تصمیمات حساس، مبتنی بر منافع خود و نه مصالح جامعه، عمل نموده‌اند و به دلیل اثرگذاری بر خانواده‌ها، از حمایت میدانی وسیعی برخوردارند. پرواضح است که ضرورت دارد هر عاملی که زمینه‌ساز یا تشدیدکننده نابرابری اجتماعی باشد، مورد نظارت جدی نهادهای نظارتی قرار گرفته و مبتنی بر اسناد فرادستی کشور و در صورت زمینه‌ساز بودن تضاد، تصمیمات لازم اتخاذشده، راهبردی شوند تا از تبعات احتمالی خطرناکی که می‌تواند گسل‌های موجود در جامعه را متورم ساخته، به شیوه‌ای بیمارگونه به حرکت درآورده و گسست فرهنگی را موجب شوند، جلوگیری به عمل آید. به نظرمی رسد وابستگی به موسسه‌های غیررسمی، می‌تواند زمینه‌ساز کاهش اثرپذیری دانش‌آموزان و دانشجویان از مدارس و دانشگاه‌ها، در نتیجه ناکارآمدی آموزش رسمی را در پی داشته باشند. این امر موجب می‌شود تا وظیفه‌ی اصلی شکوفایی نسل جوان که ضرورتاً باید بر نهادهای آموزش رسمی متکی باشد به موسسه‌های غیررسمی منتقل شده و دانشگاه‌ها و آموزش رسمی ضعیف و ضعیف‌تر و در عوض موسسه‌های غیررسمی، از قوت و اثرگذاری بیشتری برخوردار گردند. به بیان دیگر، کیفیت آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها پایین‌تر و دانشجویان کمتر به دانشگاه‌ها توجه می‌کنند؛ از طرف دیگر وجود این موسسه‌ها فوایدی هم دارند، دانشجویانی که از رشته‌ای به رشته‌ی دیگر در مقاطع بالاتر وارد می‌شوند به علت عدم آشنایی با دروس در مقاطع پایین، با رشته موردنظر خود ارتباط مناسب‌تری برقرار کنند؛ و این موسسه‌ها کمک می‌کنند که راحت‌تر کنکور را پشت سر بگذارند و در رشته‌ای که خودشان دوست دارند، تحصیل کنند و رتبه‌های خوبی کسب کنند.

محتمل است که رشد و قدرت اثرگذاری این موسسه‌ها به ضعف مدارس و دانشگاه‌ها در جریان تربیتی مربوط باشد. همچنین افت کیفیت آموزشی در نظام آموزشی و دانشگاهی، می‌تواند یکی دیگر از دلایلی باشد تا دانش‌آموزان و دانشجویان در درس‌هایی که احساس ضعف می‌کنند، سعی کنند تا این ضعف‌ها را در مکان دیگری غیر از آموزش رسمی، برطرف سازند. از شواهد میدانی چنین برمی‌آید که در حال حاضر یکی از عمده‌ترین اهداف تربیت رسمی، زمینه‌سازی برای موفقیت دانش‌آموختگان در کنکور است؛ پرواضح است که این‌گونه هدف‌گذاری، می‌تواند تبعات نامطلوبی را در سطوح فردی و اجتماعی ایجاد نماید. از آنجایی که انتظار جامعه امروز از مدرسه، تربیت شهروندانی

بانگیزه، آگاه و متعادل است، که توانایی حل مسئله، احساس امنیت، اعتماد به نفس و اعتماد به دیگران را داشته باشد (بازرگان و دارنی، به نقل از علیزاده، صالحی و مقدم زاده، ۱۳۹۶)، این گونه هدف گذاری می تواند زمینه بروز رقابت های ناسالم و پیامدهای ناشی از آن را پیش داشته باشد؛ همچنین به نظر می رسد با رشد نامتوازن موسسه های غیررسمی در زمینه ی هدف مورد نظر، درست عمل نکرده است.

کنکور، سازوکاری است که از طریق آن، تلاش شده است تا درس هایی که دانش آموزان در طول چهار یا پنج سال خوانده اند را در چند ساعت مورد ارزیابی قرار دهد. این امر ضرورت برنامه ریزی قوی و فشرده را دوچندان می نماید. به نظر می رسد، بخشی از مطالبی که در کنکور مورد آزمون قرار می گیرند، آن چیزی نباشد که در دبیرستان ها و یا دانشگاه ها تدریس شده است و این تعارض می تواند با عدالت آموزشی در تضاد باشد. رقابت زیادی که بین دانش آموزان و دانشجویان برای کسب صندلی های برتر دانشگاه وجود دارد آن ها را ملزم به فعالیت هایی، بیش از حد نیازشان می کند تا تسلط بیشتری نسبت به درس هایی که مورد آزمون قرار می گیرند، داشته باشند؛ و این خود می تواند یکی دیگر از دلایل رشد این موسسه ها باشد. سؤالات چندگزینه ای موجب اندازه گیری سطوح پایین حیطه شناختی از طبقه بندی هدف های آموزشی بلوم می شود و بیشتر توانایی بازشناسی و یا تشخیص را می سنجد (سیف، ۱۳۹۴). هر چند در حال حاضر با توجه به اقدامات انجام شده این نوع سؤالات از کیفیت بالاتر و اندازه گیری تا سطوح بالاتر از گذشته را موردسنجش قرار می دهد ولی برای اندازه گیری سطوح بالای حیطه شناختی، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی کاربرد ندارد (پاشاشریفی و شریفی، ۱۳۹۶). این نوع سؤالات نمونه ی بزرگی از محتوا را در برمی گیرد و با سهولت در تصحیح مواجه است اما نمی تواند قدرت حدس و گمان را به طور کامل کنترل نماید. با تغییر نوع تصحیح آزمون های چندگزینه ای و با احتساب تمام گزینه های نادرست انتخابی به صورت امتیاز دادن به هر گزینه (تفاوت قائل شدن بین گزینه تقریباً درست و گزینه کاملاً غلط) می توان بر دقت اندازه گیری این نوع آزمون ها افزود. آمادگی برای پاسخگویی به آزمون های چندگزینه ای از مضمون آفت سواد دانش آموختگان و افزایش مشارکت کنندگان در کلاس های متفرقه از مضمون ضعف تربیت رسمی با یافته های پژوهش سجادی، کرم دوست، درانی، صالحی و مقدم زاده (۱۳۹۶)، با مضمون سرعت عمل و محیط آموزشی همسو و همخوانی دارد. همچنین مضمون نابرابری اجتماعی با مضمون موقعیت طلبی در مطالعه سجادی و کرم دوست، درانی، صالحی و مقدم زاده (۱۳۹۶)، همسو است.

با افزایش روزافزون مؤسسات مدعی ارتقای مهارت های تست زنی و ترویج این مهارت غیر اصیل، به نظر می رسد زمینه از رونق افتادن نیازهای اصلی در خصوص ارتقای سواد و مهارت های اصیل زندگی فراهم آمده و بیشتر خانواده ها، دانش آموزان و دانشجویان سعی در یادگیری مطالب آزمون به منظور افزایش مهارت های تست زنی را

خواهند داشت و به‌جای رقابت برای ارتقای مهارت‌های زندگی و مهارت‌های شهروندی، رقابت اصلی آن‌ها برای جذب شدن در دانشگاه‌ها و موفقیت در موقعیت‌هایی که از این نوع آزمون‌ها استفاده می‌کنند، اهمیت یافته است. از این‌رو هدف اصلی آموزش و پرورش که همان افزایش دانش و مهارت‌های مرتبط به آن است، نادیده انگاشته می‌شود. همچنین در افزایش سواد که مورد تقاضای همه کشورهاست درست عمل نشده و کشور به سایه‌ای از دانش دست‌یافته که برای موفقیت کشور در سطح جهانی چندان مؤثر نخواهد بود. با روند روبه رشد نهادها و موسسه‌های غیررسمی و هزینه‌های ثبت‌نام در آن‌ها خیلی از افراد توانمندی که در جامعه وجود دارند توانایی شرکت در این نوع موسسه‌ها را ندارند از این‌رو به‌رغم برخورداری از استعداد سرشار، از رقابت بازمی‌مانند که با پژوهش‌های (فوربس، ۲۰۱۲) و (لویلا و زاکارف، ۲۰۱۶) همسو است و بعضاً موجب ترک تحصیل، دل‌سرد شدن از کسب دانش و امثال این می‌شود. با بروز همچنین مسائلی به نظرمی رسد تعداد زیادی از نخبه‌هایی که می‌توانستند در سطح اول کشور فعالیت کنند و برای ارتقای کشور مؤثر باشند را از دست خواهیم داد. رشد موسسه‌ها و نهادهای غیررسمی در کشور و بعضاً کتاب‌هایی که در این نهادها ارائه می‌شوند موجب آسیب‌هایی به تربیت رسمی می‌شوند؛ احتمالاً تربیت رسمی دیگر موفق عمل‌نکرده و کلاس‌ها از کیفیت مطلوب برخوردار نخواهند بود، همچنین دانش‌آموزان و دانشجویان دیگر رغبتی برای شرکت در کلاس‌های تربیت رسمی از خود نشان نمی‌دهند و عملاً زمان خویش را هدر می‌دهند و سعی در فعالیت بیشتر در نهادهای غیررسمی دارند از این‌رو تربیت رسمی هم روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شود؛ تا جایی که امکان دارد در چند سال آتی دیگر شرکت کردن در تربیت رسمی صرفاً به خاطر مدرکی که ارائه می‌دهند، باشد. اطمینان از اینکه تمام دانش‌آموزان به‌طور مساوی به آموزش باکیفیت دسترسی داشته باشند، توجه به ارزش ذاتی تنوع انسانی، طبقات اجتماعی با سطوح درآمد مختلف و سعی در کم کردن نابرابری اجتماعی با برنامه جهانی تربیت رسمی (آموزش و پرورش) ۲۰۳۰ (یونسکو، ۲۰۱۷) همسو است؛ درنهایت با توجه به مطالب بیان‌شده به علت فقدان استفاده از همه اقشار، توانایی‌ها و استعدادهای جامعه پدیده‌ای به نام نابرابری اجتماعی در جامعه رخ می‌دهد؛ که با تحقیقات (سیلویا و همکاران به نقل از لویلا و زاکارف، ۲۰۱۶) و (یانگ و بری، ۲۰۱۷) همسو است؛ به نظرمی رسد موسسه‌های غیررسمی موجب بازتولید اختلاف طبقاتی می‌شوند چون قشر مرفه جامعه با استفاده از ثروت رشته‌های درآمدزا مثل پزشکی و دندانپزشکی را در اختیار خود درمی‌آورند، همچنین طبقه متوسط جامعه هم رشته‌های ضعیف را انتخاب و درآمدهای ضعیفشان باعث استمرار فاصله اقتصادی خانواده‌ها می‌شوند. برای کمک به نخبه‌های کم‌درآمد جامعه، می‌توان با ارتباط مفید و مؤثر با صنعت و کمک گرفتن از آن‌ها با طرح‌های مختلفی نظیر کم کردن مالیات آن‌ها در عوض پشتیبانی از دانش‌آموزان نخبه کم‌درآمد و طبقات کم‌درآمد جامعه در برقراری توازن در جامعه گامی مهم برداشته شود که با تحقیق (کیربی، ۲۰۱۶) همسو است.

پژوهش حاضر به منظور موضع‌گیری نسبت به ماهیت آزمون‌های چهارگزینه‌ای انجام نشده است، بلکه از یکسو ایجاد زمینه‌ای برای بازاندیشی در خصوص رسالت نظام آموزشی در پرورش شهروندان بالنده و سالم را در نظر داشته و از سوی دیگر، زمینه‌سازی برای جلوگیری از شیوع آسیب‌زای مراکز که صرفاً مبتنی بر منافع مادی خود به نیاز سازی و ترویج مهارت‌های کاذبی همچون تست‌زنی می‌پردازند را در نظر دارد. به دیگر سخن، تلاش بر این بوده تا ضمن آگاهی‌بخشی به جامعه نخبگان و تصمیم‌گیرندگان، تبعات منفی تمرکز و ورود نهادهای آموزشی به امور مربوط به مهارت‌های تست‌زنی بازنمایی شده و در راستای تحقق عدالت آموزشی گام برداشته شود. به نظر می‌رسد این امر از فعالیت بی‌رویه مراکز و مؤسسات موسوم به تقویت مهارت‌های تست‌زنی و هدر رفتن بخشی از سرمایه‌های جامعه جلوگیری خواهد کرد. با توجه به پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد، الف) روند ارزیابی از نظر نوع و محتوای آن اصلاح شود ب) تحلیل سؤالات با استفاده از روش‌های جدید اندازه‌گیری مانند نظریه سؤال پاسخ^۱ انجام گردد ج) حذف کنکور و پذیرش دانشجو بر اساس شرط معدل که به نوبه خود مشکلاتی را در پی خواهد داشت که نیاز به پژوهش دارد، د) برگزاری مصاحبه از طریق دانشگاه‌ها و یا هر طریقی که موجب کاهش معایب آزمون‌های چندگزینه‌ای شود؛ فکر، برنامه‌ریزی و درنهایت عمل کرد. و همچنین از شرکت‌ها و کارخانه‌ها خصوصی جهت سرمایه‌گذاری و استفاده از نخبه‌ها، بهره جست.

منابع

- آرین، خدیجه (۱۳۸۸). آموزش و پرورش سایه (تدریس خصوصی) و آثار آن. مجله علوم تربیتی. ۳۶۳، ۱۰-۱۳.
- پاشاشریفی، حسن؛ و شریفی، نسترن (۱۳۹۶). اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی. نهران: نشر رشد، چاپ ششم.
- رنجبر، هادی؛ حقدوست، علی‌اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی و بهرامی، نسیم (۲۰۱۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش. (۳)، ۲۳۸-۲۵۰.
- سجادی، رضا؛ کرم دوست، نوروزعلی؛ درانی، کمال؛ صالحی، کیوان؛ و مقدم‌زاده، علی (۱۳۹۶). واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. ۸(۱۶)، ۱۹۰-۱۶۳.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۴). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی، تهران: انتشارات دوران.

شناسایی پیامدهای شکل‌گیری و گسترش تربیت سایه در نظام آموزشی: مطالعه به روش پدیدارشناسی/۷۵

- شریفی، حسن پاشا؛ شریفی، نسترن (۱۳۹۶). اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی، ویراست دوم (با اصلاحات و افزوده‌ها) تهران، انتشارات رشد.
- طهماسبی، فردین؛ میرزایی، خلیل؛ و کامرانی، فریدون (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای آن‌ها در شهر تهران. مجله پژوهش اجتماعی، ۵ (۱۴)، ۷۵-۱۰۰.
- عزیززاده، شهناز؛ صالحی، کیوان؛ مقدم‌زاده، علی. (۱۳۹۶). واکاوی کیفیت سنجش کلاسی معلمان؛ مطالعه‌ای به روش پژوهش آمیخته فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی. ۵ (۱)، ۸۴-۶۳.
- محمدزاده، زینب؛ و صالحی، کیوان (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان. ۳ (۱۱)، ۲۵-۱.
- محمودی، اصغر (۱۳۸۹). ارائه طرح. بازبایی شده در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۹۶. قابل‌دسترسی از سایت <http://am1370.blogfa.com/post-17.aspx>
- Aries, E., & Seider, M. (2005). The interactive relationship between class identity and the college experience: The case of lower income students. *Qualitative Sociology*, 28(4), 419-443.
- Askew, M., Hodgen, J., Hossain, S., & Bretscher, N. (2010). *Values and variables: Mathematics education in high-performing countries*. London: Nuffield Foundation.
- Aurini, J., Dierkes, J., & Davies, S. (Eds.). (2013). *Out of the shadows: The global intensification of supplementary education*. Emerald Group Publishing. <https://books.google.com/books?isbn=1781908176>.
- Bray, M., & Kwo, O. (2013). Behind the façade of fee-free education: Shadow education and its implications for social justice. *Oxford review of Education*, 39(4), 480-497.
- Bray, M., & Lykins, C. (2012). *Shadow education: Private supplementary tutoring and its implications for policy makers in Asia* (No. 9). Asian Development Bank.
- Buhagiar, M. A., & Chetcuti, D. A. (2013). The private tuition phenomenon in Malta. In *Private tutoring across the Mediterranean* (pp. 129-149). SensePublishers, Rotterdam.
- Chan, C., & Bray, M. (2014). Marketized private tutoring as a supplement to regular schooling: Liberal studies and the shadow sector in Hong Kong secondary education. *Journal of Curriculum Studies*, 46(3), 361-388.
- de Castro, B. V., & de Guzman, A. B. (2014). A structural equation model of the factors affecting Filipino university students' shadow education satisfaction and behavioural intentions. *Asia Pacific Journal of Education*, 34(4), 417-435.
- De Castro, B. V., & De Guzman, A. B. (2014). A structural equation model of the factors affecting Filipino university students' shadow education satisfaction and behavioural intentions. *Asia Pacific Journal of Education*, 34(4), 417-435.

- Forbes. (2012). retrieved on 2017/04/20. global-private-tutoring-market-will-surpass-102-billion-by-2018. accessible from the site <http://www.forbes.com/sites/jamesmarshallcrotty>.
- Hartmann, S. (2013). Education 'home delivery' in Egypt. In *Private tutoring across the Mediterranean* (pp. 57-75). SensePublishers, Rotterdam.
- Kassotakis, M., & Verdis, A. (2013). Shadow education in Greece. In *Private Tutoring Across the Mediterranean* (pp. 93-113). SensePublishers, Rotterdam.
- Kirby, P. (2016). Shadow Schooling: private tuition and social mobility in the UK.
- Loyalka, P., & Zakharov, A. (2016). Does shadow education help students prepare for college? Evidence from Russia. *International Journal of Educational Development*, 49, 22-30.
- Mawer, K. (2015). Casting new light on shadow education: snapshots of juku variety. *Contemporary Japan*, 27(2), 131-148.
- Seth, M. J. (2002). *Education fever: Society, politics, and the pursuit of schooling in South Korea*. University of Hawaii Press. <https://books.google.com/books>.
- Sobhy, H. (2012). The de-facto privatization of secondary education in Egypt: A study of private tutoring in technical and general schools. *Compare: A Journal of Comparative and International Education*, 42(1), 47-67.
- Song, K. O., Park, H. J., & Sang, K. A. (2013). A cross-national analysis of the student- and school-level factors affecting the demand for private tutoring. *Asia Pacific Education Review*, 14(2), 125-139.
- Tansel, A., & Bircan Bodur, F. (2005). Effect of private tutoring on university entrance examination performance in Turkey.
- Trust, S. (2015). "London Pupils are Twice as Likely to Receive Private Tuition as Those Outside the Capital." *The Sutton Trust*. Accessed September 4. <http://www.suttontrust.com/newsarchive/london-pupils-are-twice-as-likely-to-receive-private-tuition-as-those-outside-the-capital/>
- UNESCO (2012) EFA [Education for All] Global Monitoring Report 2012: Youth and Skills Putting Education to Work (Paris: UNESCO).
- UNESCO (2017). A guide for ensuring inclusion and equity in education. The Global Education 2030 Agenda. Published in 2017 by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 7, place de Fontenoy 75352 Paris 07 SP, France.
- Yung, K. W. H., & Bray, T. M. (2017). Shadow Education: Features, Expansion and Implications. *Making Sense of Education in Post-Handover Hong Kong: Achievements and Challenges*.
- Zhang, W., & Bray, M. (2017). Micro-neoliberalism in China: public-private interactions at the confluence of mainstream and shadow education. *Journal of Education Policy*, 32(1), 63-81.